



لیله القدر یا مرحله جهش
بوداشتی ازسوره "قدر" و تفسیر "شب قدر"
بمناسبت شبهای پوز ماه رمضان
انا انزلناه فی لیله القدر - ما قرآن را در شب قدر
فرز فرستادم
و ما ادبریک ما لیله القدر - و چه مددایی که شب و
مرحله "قدر" چیست؟
لیله القدر خیر من الف شهر - مرحله قدر گزیده تر
از هزار ماه است
تنزل الملائکه و الروح فیها یاذن ربهم من کل امر
فرشتگان و روح در آن به اجازه پروردگار تکامل بخشتان همی
آیند با کل امر - بطور کلی سوره های آخر قرآن
(بقیه در صفحه ۵)

ملی کردن سرمایه های وابسته
در شهرک اکباتان
در صفحه ۲
نقش امپریالیزم در روستاها
در صفحه ۲
مردم و مجاهدین
در صفحه ۵

سال اول (شماره ۲) - دوشنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۳۵۸ - تکریم ۱۵ اردیبهشت

آیا ضعف گاهی مردم علت نارسائی های انتخاباتی است

آیا اساساً نمیشد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد؟

به مسأله انتخابات مجلس بررسی
است. از یکطرف اشکالات و نقایص انتخابات
زیادی مطرح میگردد، تا آنجا که گفتاوردی
بودن و متروک بودن نتایج آن نیز مورد
عدم قبول واقع میشود. از طرف دیگر
بانیان و دست اندرکاران این انتخابات، به
انتقادات و اشکالات را کوچک کرده و در
نهایت غیرقابل اجتناب دانسته مدعی
میشوند که در بهترین و دموکراتیک ترین
انتخابات نیز اینقدر اشکال موجودی-
آید.

در این مقاله هدف بررسی میزان
اشکالات و انتقادات وارد به اجزای
انتخابات در دنبال نمیشود، بلکه می-
خواهیم این مسأله را بررسی کنیم که آیا
واقعاً "ضعف انتخاباتی" داشته ایم که
"اساساً" فارغ از این اشکالات باشد؟ در
بررسی سؤال فوق دو ملاحظه در دو سر
طبیعی قرار گرفتند که بقیه جوابها به
گفتهای بیما نیستی همان دو مربوط میشوند.
یک جواب واقع بیانه نیز وجود دارد که
به شرح آن هم میپردازیم.

مهمترین نقایص آبرون صندوقی:

نقص های انتخاباتی به دو نوع
منفاوت تقسیم میشوند:
۱- تقلب درون صندوقی: عبارت
است از آراء بدون صاحب به صندوقی
ریختن و تقلب در شمارش آراء...
۲- تقلب در خارج صندوقی که به
شبهه تقلبات و تحت تأثیرهای کاذب
فردان در مردم بر میگذرد به عبارت
های اقتصادی و سیاسی...
دوران رسانخیز گامها تا آن آشناسیم.
در انتخابات مجلس بررسی قانون
اساسی مهمترین تقلب بیرون صندوقی که
اجماع شد در درجه اول استفاده گام-
فریبانه از جاذبه عمومی امام بود.
درجه بعد استفاده از عدم آشنائی مردم
به ضوابط دنگارنگ یک انتخابات آزاد.
در مورد تقلب فوق الذکر بقدر کافی نمونه
وجود دارد. تا آنجا که هرگز نمیتواند
خود در این زمینه صاحب تجربه شخصی
نیز باشد.

مجلس بررسی قانون اساسی برآستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است.

بود که فشارها و محدودیتهای
بسیاری که متأسفانه هنوز هم
مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر
اعمال میخورد کمتر آید در جهت
تأثیرگذاری انقلابی برای ما
برجا گذاشته بود. به همین دلیل
نخواستیم بسیاری از هواداران
خود را شرکت در انتخابات قانع
کنیم. آنها برای این عقیده بودند
که شرکت ما در مجلس موجود مفید هیچ
فایده ای نخواهد بود.

حزب و محوس بوده و متعلق بقدر
فردا حاکمیت را برآست. با این
هدف در جریان انتخابات ما شاهد
فعالتهای غیرقانونی گسترده
از حزب و جناحهای مخصوص بودیم
که نه تنها "طری" نود مردم را تحت
تأثیر و فشارهای دهن به فبهرستی
و امیدآشنده در واقع امر
انتخابات را به انتخابات تبدیل
یل نمینمود. این مخالفتها که در
چند مورد با جنبان و وضعی صورت
گرفت که آراء صندوقهای مربوطه
بسیار کمتر از آراء ما باطل
اعلام گردید. از این راه گردن آوری
تسلطی دیگران را را از جنبوی
غیرمجاز و مسامحت از رای دادن
به دست مردمی. و در نظرنا دستا-
زی در صندوقها و اعمال نظردر
شرش آراء و منالیم گسترش
داشت. اعمال بی رویهای که
مذاکره آن طی قریب بیش از ۲۰۰۰
مفردنگار گایت به مسکولین امر
تسلیم شده و جناح نجه طلبند آشنده
آماده اینست در ملاقات محوری به
خود آن حضرت نیز تقدیم آرم.
مسأله اساسی بررسی
فرطداران ما اینست که هرگز
برنده انتخابات که چندمسأله از
تأسیس آن صورتبختن ننگدرد.
چگونه میتوانند بدون اینکه همه
چیز خود را به شما مستخسار زد. در
اکثر نقاط کشور جز اکثریت
آراء گردد. و با این استفاده
باستانه ای از خوددها هر شهید
انقلاب ایران که در امتداد
عمومی به شخص آن خلف صورت

ماهیت روابط فعلی ایران و آمریکا

یک سیاست مستقل و انقلابی
در زمینه روابط خارجی مستلزم
چه عواملی است؟

مبارزه آزادیبخش خلق ایران
که کام متخسار آن یعنی حقوق دنگارنگ
شاه با پیروزی همراه بود. ضرورتاً "بانی
با کامیای بلندتر و استوارتری دنبال
شود. این کامیای اساساً در مسیر بلوغ
مبارزه ضد امپریالیسم است. کامیای
نقعی رژیم هم بی تردید ضررهای مهم به
قلب و حیات منابع امپریالیسم در ایران
بود. چرا که دنگارنگی ایران ماهیتی
امپریالیستی داشت. یعنی تمام حاشیای
و غارتگریهای امپریالیسم، دقیقاً در
پناه آن دنگارنگی صورت می گرفت.
ماهیتگرایی بی دامن امپریالیسم
سردمدار امپریالیسم جهانی نقش و
درخواست همه خلفها و سجن" مسئول
فراختر نام بدخنیهای ملل بر سلطه
است. از این جهت هر گز نمیتواند
و راههای ختم هر گز گشای از جهان
بدون شک بر علیه آمریکا خواهد بود.

بقیه در صفحه ۲

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی آریامهری را می توان اقدامی مردمی تلقی کرد؟

سپهر آمدن از دوران طولانی و
کمرنگی اعتقادی آریامهری جنبای
عمومی را خلق میجوید آورده است.
نومی آگاهی و شمع سیاسی که بوی ختقاق
و سزگوارا میزند پنا پنا حسیرتد.
چندی است خواهد و اخبار دلالت بر آن
دارد که تولد ناموسنی در شرف انجام
است. شاید هم مولود تازه نه بلکه همان
هولاتی که خود را آراسته دنگارنگد
دارد. اضافه ای تازه بجان مردم نیستد.
قبل از اظهار نظر اخیر بر روزگور، در موارد
تعددی دولت و مقامات مسئول سادآور
شده بودید که ما به یک دستگاه اطلاعاتی
احتیاج داریم و باید از امکانات رژیم
قبل در این مورد استفاده کنیم...
کره در خفا فعالیتهایی در جریان بود
که گویا با هندارهائی از جانتی-
های انقلابی روبرو میشد. اما سرخا سخی
در این باره گفته شد تا اخیراً مسأله ای
وزیر کشور (روزنامه اطلاعات ۵/۱۱)
مناور کرد که...
در مناطق میخوان پیشبینی کرد. و کسی
طبعی است اگر مشکلی پیش بیاید، رتشی
باید به وظیفه خود عمل کند...
مشکلتی بدون مسأله اطلاعاتی قادر به

بقیه در صفحه ۲

دیدگاههای آیدنولوژیک مجاهدین خلق برداشتهای از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه های ۹۱ و ۹۶) (قسمت دوم)

امام علی

میگویند شماستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

اصل اساسی "عدل" و مساوات
در توزیع ثروت اجتماعی
بر اساس این سخن و درک عمیق
امام علی، از کارکنی و حرکت اصولی
است که در پاسخ کنایه که او را نصحت
میگردد که چرا "اعطای" و بخشش بیت
الذات و فنامت را میان مردم - مساوی
تقسیم می نماید و اجتماعی را که در اسلام
سواق طولانی تر داشته و دارای گرفت
و سزگی میباید. بزوری نمی دهد
فاطمه جواب می دهد که "آیا این دستور
می دهد که با ستم روایتش بر کنای
که بران حکومت می کشم سیبوری را
چونم؟"
بجدا قسم تا روزگار می گردد و شا
سازمان در آرحان، سباره دیگر را قصد
بر کند. جس نبوا هم کرد. اگر دارائی
مال خود هم بود، به سواق تقسیم
می کردیم هر چند به اینکه مال اساساً
از آن خداست. خطبه ۱۲۶

آیت اله طالقانی در دیدار با هیئت کوبانی: از نظر ما هر منطقه دنیا

"هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد و علیه استثمارریک انقلاب اسلامی است"

تشریحاتی در باره برخی قسمت های این
گفتگو نمودیم.
آیت اله طالقانی در این گفتگو
این اظهار داشت که: "ما انقلاب کوبا را
انقلابی عدلیم می دانیم... در واقع
هر انقلاب علیه ظلم و علیه استبداد
علیه استثمار و هر جای دنیا که باشد از
نظر ما یک انقلاب اسلامی است. چرا
که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت
رفع ظلم از همه انبای بشر، همه
آسانیا... و همه مظلومین و مستضعفین
است. این واقع بیماخته ترین و درین حال
عالیترین دعوائی است که می توان از
ایدئولوژی اسلام بعمل آورد.
این همان نحوه برخورد شایسته
اصولی است که یک مسلمان انقلابی
هوایه راستی در مواجهه با افکار و
اندیشه های دیگران در پیست کرد.
معارضه و تقویخواهی و انقلابی بودن از دیدگاه
نوجندی"
از دیدگاه ایدئولوژی ما هر فرد
با جریان به اندازهای که در سب-
بقیه در صفحه ۶



عصبیت گذشته (۱۳ مرداد) در
دیدارها ت کوبانی با هیئت آیت اله
طالقانی بین اعضای این هیئت و آیت
الله طالقانی بحث و گفتگوهای مفصلی
پیرامون اسلام و مارکسیسم صورت
گرفت. از آنجا که گفت و گفتی در ای
بحث می تواند و همسودهای آریامهری
برای عموم خواهران و برادران دلسر-
داشته باشند. اقدام به توسعه

ماهیت و روابط فعلی ایران و آمریکا

ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان تهاورهائی

این حقیقت از آنجا ناشی میشود که آمریکا دوام و بقا و غلبه خود را در فارست جیاور ملتها می بیند. پس طبیعتاً است که هر جا هم با مخالفت و آرادخواهی مردم برپشته روبرو شود، از آنجاست و سرکوب و وحشیگری خودداری نکند. مدافع اکثریت رژیم های دیکتاتور بودی- حلفی و فاشیست است. همچنین تمام حاکمهای تجاروکارخانه و امپریالیستی همه کودتاهای ضدانقلابی، فتنه گرهای آفریقا و جنبانهای که هر روز در گوشه و کنار ناهنجار، مستقیم یا غیر مستقیم بوسیله آمریکا طرح بر روی میاده می شود. درست است این دلیل هر جنبش انقلابی و خلقی ملت آمریکا را نشانه می رود، و ترسناکیهای حاشی او را قطع می کند، و راه را بر کولگامیهایش می بندد. در یک کلام تا آنجا که به رسالت یک انقلاب خلق و عدل امپریالیستی مربوط میشود؛ کلبه سبزه ها را در جهت ضربه زدن به سلطه، منابع و بالاخره موجودیت امپریالیسم سنج می کند. و این انقلاب مستوری است که تا نابودی کامل نظام صدهای متروپادامه خواهد داشت. به بیان دیگر از آنجا که در مفهوم کنونی تاریخ، تضاد اصلی حاکم سرمایه و امپریالیسم است، نیروها، اجزای و رژیم های باستانی در اردوی خلقها و هزاره آنگان با امپریالیسم جنبانی (سرمردگی آمریکا) در نبرد و ستیز باقی می ماند. و زکریه اخبار "حیو افسار امپریالیسم و به موقع صدمت با خلقها سقوط می کند".

ملاک حقانیت سیستمهای سیاسی در دوران ما

با توجه به توضیحات فوق اهمیت نوع برخورد با آمریکا (این پرچمدار جهانپواری) را درمی یابیم. و به حق باید گفت که چگونگی این رابطه به سبترین وجه یا بگردد درجه اصالت یک انقلاب و بطور کلی، هر سیستم و جریان سیاسی است. بعبارت دیگر هر جریانی که سیستمی که بیشتر بشود، و امپریالیسم مبارزه کند و به منابع و موجودیت آن شدیدتر ضربه وارد نماید، از حقانیت، ترقیخواهی و دنیاپرستی بیشتری برخوردار است. و برعکس هر نظامی که در جهت تازش و به اصطلاح تقاضای دوستی با آن کام سردار، عناصر ارتجاعی و کهنه کاری ذاتی خود را آشکار می کند، و خیر از بوسیدگی و میراثی خود می دهد، این هم روشن است که وقتی جریانی بپویای زندگی سیاسی خود را از دست داده باشد دیگر نتواند از پویایی و دنیاپرستی ایدئولوژیک و مکتبی او سخن بمان آورد.

پرخوردنی و هوایی خلقی ایران با آمریکا (در سالیهای سکوت)

هر روز با پوست و استخوان دشمنی ما و ضربات آمریکا را درک می کرد. و به همین جهت تعلقهای خشم و کینه های مله این دشن فروزان تر می گشت. و سی نزدیک هرچه زمان انقلاب طولانی تر می شد، لبه تیز آن بیشتر متوجه آمریکا می گشت. و بدین ترتیب از اصالت و عمق بیشتری برخوردار می شد. بدین است که برای آزارهای

انقلابی که از چندین سال پیشتر دست به سزای قهرآمیز و سلحشانه علیه رژیم و حامیان امپریالیستی زده بودند، نوع رابطه با آمریکا بطور مبنی و علمی روشن بود. حتی بسیاری از عملیات انقلابی مستقیم بر علیه آمریکا های سیاسیگذار بود. من باب مثال: زبور زنیال برابری، سرنگ ها و کتو بطور کلی سنت انقلابی اهدام جلادان آمریکایی و انفجار تأسیسات آمریکایی که متکبر و وحشی آن هم عمده می باشد، خلق بودند. از افتخارات جنبش انقلابی ایران در سال های اکتوت و هفتاد محسوب می شود.

خلق ایران دشمن اصلی خود را با زنیال می شناسد

اطالی دوسال اخیر دشمنی آمریکا بی مروت تا برای تمامی خلق ایران آشکار گردید. کما اینکه هر روز که به دیگری شاه خاش افروخته می شد، حساسیت ایران با آمریکا باقی می ماند. با فزونی گشت. تا آنجا که بدینال بزرگترین قتل عامهای رژیم دست نشانده ۱۷ شهریور، حکومت نظامی، دولت نظامی، آمریکا سرها را بر تپه شیبانی خود را از بازگرداندن نظم و قدرت به شاه خاش ایلان کرد. اما بیشتر اهل خلق ما به منته می دید، این توپ و تانک و هواپیما و مسلسل و تفنگ آمریکایی است که بدست شاه مزدور همه هستی او را تهدید می کند. و هر روز خون و دهنها و صد ها هزار پاکیزگی فرزندان این مینهن بوسه گلوله های و مژده های آمریکا می بینیم برهنه می شود.

این حساسیت مادی و معنوی از رژیم شاه، و در واقع از منابع خود آمریکا می گشت. نمی توانست از دید مردم پنهان بماند. در نتیجه در همان شرایط، تیر مردم برای سروشت خود اجتناب ناپذیر می شد (البته در صورتی که آمریکا بر حفظ شاه پافشاری می کرد).

اما آمریکا طبعاً همه کوته بینی- هایش که داعی نظام ظالمانه و رو به افراطی می باشد، این حقیقت را خوبی درک می کرد که دیگر شاه نه تنها حافظ منابع او نیست، بلکه بصورت یک تهدید جدی درآمده است. و آتش خشم مردم ایران دیگر به شاه هم ختم نمی شود. بلکه هستی ایرانیان او را هم خواهد سوخت. لذا باستی شاه را قربانی کرد.

موضع تردید آمیز جناح های حاکم در قبال آمریکا

بعد از سقوط رژیم شاه، مردم ما بیشترین آگاهی و آمادگی را برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی داشتند. و گرمی انقلاب وجود آثار و ثروت و تحرک می بخشید، تا بقول خودشان "بعد از شاه خوبتر است". در تحقیق و خدش، ما مقابل این فاطمیت مردم متأسفانه هست. موضع دولت و دیگر جناحهای حاکم در برخورد با آمریکا مشخص و واحد نبود. مثلاً در موارد متعددی امام خمینی با تأکید بر ضرورت ادامه انقلاب و محو کلیه آثار و عوامل استعمار،

آیا اساساً نمی شد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد!

این طرز تفکر در اساس فاقد برآیند معای سیاسی برای تغییر جامعه می باشد. و تنها راه فرگشتی دراز مدتی را می تواند منجر میگردد. افرادی که از این دیدگاه به مساله برخورد کرده اند بقیه موضوعی غیر فعال در جریان انتخابات داشته اند. منظور از موضع غیر فعال شرکت کردن یا نکردن نیست، بلکه اساساً این افراد از کنار این موضوع گذشته اند. عده ای دیگر نا آگاهی مردم را - دید ه گرفته، همه موارد اشکالات و انتقادات را مستقیماً به مسئولین مللکی و حزب حاکم بر میگردانند. اشکال این برخورد در این است که به ریشه و جوهری انجام تقلبات نمیتوان رسید، و راجع محمی نیز برای مبارزه بود و کوتا آمدت با اینجس ناراضیها نمیتوان ارائه داد. در نتیجه صاحبان این نظریه به برخورد های عصبی و گاه برخورد متقابل با مرتجعین و امثالهم خواهند پرداخت، و چون بهر حال مسالای را نمیتوانند حل کنند، به پاس و بدبینی کشیده خواهند شد.

بقیه از صفحه ۱

اعتبار و فرماندهی دادگستری قرار گیرند. در مورد فرهنگتک، سیاست ها رهی، دفاع از حقوق کارگران، برادری و توطئه های محافل ارتش و پارتی و سایر ارگانی که شریک ارتزگی و امپریالیسم کشنده نقطه نظرهای مشخص دارند که انشاء الله محسوساً معرونی خواهد گردید.

حضرت آیت الله: محدوداً می داورا بریم با رعایت این نقطه نظرهای اسلامی

مردمی قانون اساسی ما شامل حد و قلمبای لازم گردیده و اساساً برپنداری و روشنفردی در برابر تمام قوانین و تسلطی آینده باشد. چرا که ما نباید همه شهادی کلگون کفن این مینهن هیچگونه غده های را به حرمت اسلام و عقوفاشده میری خوش نداریم. همین دلیل خود را موظف ندیدیم که هیچ حقیقت اساسی را در مقابل شاکت ما نکتیم منجمله مرتجعین امپریالیستی سیاست کشور ما علیه ملت و مسالطین کردستان، گنبد، مستوطنان و خونی است که مسالمانه است. خونی که در دینت و کفا پستی در دستگاه های مبدول رسیدگی به این قضا می شود ایم. بحدی که دین پرستی با ذلت ارتش یک فاعلمت با جنگ داد خلقی است بگردید. حال اینکه به ضیاءت تمام تاریخ این مسال ملل هیچگاه به ذلت ارتش و عقید خونریزی قائل قل نیست. اول کنگی کدام ارتش است که در زمین خونریزی و کشتار مردمی بنا می زده ام! مشروعت بر خود را برآید. حال اینکه اگر با یک دیدگاه واقع گرایانه مردمی و انقلابی و اسلامی، مسالطه ملللیا نگر نیستند، متکثر و مینوان بدون کمترین دخالت ارتش و قوای قهریه به جانب حق سوق داد. در اصل در قالب تمامیت ارضی عدله - پذیر جمهوری اسلامی و ماری از هر صفت تحزبه طلبانه که سیاسی تردید تمام نیروهای انقلابی نیز در سیران سپهر گونگی و همگاری آسادی خواهند داشت.

جنبش جنبش انقلابی مستوطنان ایران (حما) جنبش مسلمانان مبارز و مسالمانه اسلامی شرق (ساشو) و مسلمان جهان دنیا ایران

آنکه ما چه نیازی به رابطه با آمریکا داریم. آمریکا محتاج رابطه با ما است. آمریکا از رابطه با ما سود می برد. و از این قبیل تاخیل با خود خود را ابراز کرده اند. اما سوزی دیگر مقامات و دیگر جناحهای حاکم هرگز با صراحت و قاطعیت بر ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی (که طبیعتاً قبل از همه دامن آمریکا را خواهد گرفت) اذاعت نکند. و بدینوسیله، زمانی با دلخوشی می در در تقاضای دوستی درآمده اند. در مواردی صحبت از لغو یک قرارداد و تسخیر "قراردادهای مفید" کرده اند. بعضی اوقات بر اجتناب از پذیردن روابطی در زمینه های صنعتی و تجاری و... در آمریکا تأکید نموده اند. مثلاً در روزنامه ۵۸/۲/۹۹ بنگان جنس می - خوانس: سخنگوی دولت ایران، عباس امیران نظام، دصوت دولت از چند ستار و تکسین آمریکایی برای تعمیر و نگهداری وسایل خریداری شده از آمریکا و رژیم سابق را تأیید کرد. "این ستارها معدن" در زمینه "ابزار الکترونیک و رادار تخصصی" که بقیه از صفحه ۶

جریان انتخابات بصورت یک جریان عالم و سازنده و همچنین رشد دهنده آگاهی مردم درآید؟

در این مقاله در عدد علت این موضوع نیستیم که آیا این سیستم حاکم متواست انتخاباتی را ملتر از این بر گزار کند یا نه، و تا چه حد این رفتار متلا از ماهیت حزب حاکم میشود، بلکه می خواهیم بگوئیم بر مبنای همین حد، آگاهی مردم چه چینی می شود. در انتخابات این جریان از آب در نیاید، درجه مردمی بودن شوهایی که یک سیستم برای اداره اجتماع بگرمی کرد، بیانگر شروعت و حقانیت آن سیستم میباشد. یک جریان انقلابی با انتخابات چگونه بر خود میگرد؟

بر بزرگاری یک انتخابات با نلسیه سالم مینوانست کارهای زیر انجام گیرد: ۱- فاصله اعلام انتخابات تا روز رأی گیری بسیار میشد. تا امکان آرزوی مردم در این مدت فراهم شود. ۲- وزارت قوا به انتخابات با نلسیه را به رادیو و تلویزیون میداد، و از آنها میخواست تا طی برنامه های آنها را آموزش دهند. مثلاً در جریان انتخابات عموم مردم حتی نمیتوانستند کتبلیفات در روز انتخابات منعوت است.

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائیهای انتخاباتی است؟

۳- حدود آزادیها برتا مردم تا کید میشد، تا اگر عده ای بوسر ویلاکارت دیگران را بر میبکنند، و موسکونید آزادی است، مردم بگویند، درون جوش مانع این کار شوند. ۴- رسا اعلام میشد که نیروهای نظامی و شبه نظامی خود را در مقابل نظامی به نفع هیچ گروه و حزبی رانندارند. و نتیجه برخورد های بین پاسداران و افسراد کشتهای از یکطرف و مردم از طرف دیگر پیش نمی آمد. ۵- از گندیدها خواسته میشد، امکانات رادیو تلویزیون کافی در اختیار آنها قرار میگرفت تا بتوانند و تلفظ نظرات خودشان را بگویند. این طریق کتبی به انتخابات آگاهانه و آزادانه مردم میشد. در جریان این انتخابات تعداد معدودی از گندیدها نقطه نظر های خودشان را بیان کردند. آهم فقط با استفاده از امکانات مردمی، حزب برنده برنامه ای ارائه نداد. ۶- برای مردم تشریح میشد که همانطور که امام به متعلق به هم فرد یا حزب با دسته بخصوصی نیستند، بنابراین استفاده از جادیه مردمی امام ممنوع است. این کار را آگاهان نکردند. فقط برای آنکه بداند مساله ای پیشین نباید، روزی انتخابات و موفقی که کار از گذشته بود، رادو بویند برتا اعلام کرد. اما در حوزهای رأی گیری آنها که باید به خود پایان دادند. ۷- ممکن است اینطور بنظر آید که در شرایط کنونی جامعه ما انتخاباتی با توضیحات فوق امکان ندارد. اگر در این رابطه باقی مابین مبنای اساسی حضور بنیادی امپریالیسم و راجع او است، بان مانع تحقق آزاد اراده ملت میباشد و باستی فضا مبارزه ضد امپریالیستی در ادامه داد. و تدوین قانون اساسی مردمی در این شرایط امکانپذیر نیست.

مجلس بررسی قانون اساسی برآستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است؟

بقیه از صفحه ۱

تسا می بوسیله شوراهای محلی مردمی همان منطقه و نا عیبها آدا رفته و در انتخابات محلی نیز بر توطئه تاخید شوراهای محلی باشد. ۲- مبنای ارزش و جوق بهره وری و تصرف در نظام جمهوری اسلامی تنها و تنها کار است و لا غیر. ۳- زمین و محصول از آن کسی است که کار کرده و کشته است. ۴- کارگران و دهقانان ایران از هرگونه مالیات و پرداختی بی بهره و دولت و تحصیل رایگان بهره مندند نباید باشند. ۵- زنان به لحاظ سیاسی و اقتصادی با مردان متساوی و حقوقند. ۶- تا مرز قیام مسلمانان آزادی همه از باب جمعیتها و مطبوعات تا کلاً ملاتامین و محاکمات اطفالی آنها در حضور هیات امنه منصفه اتم میشود. کما نیکه بهر صورت هر معوان مغل آزادی های مزبور با شند با یکدیگر ببینند. ۷- هر نوع شکنجه به سزای اموال معرونان مطلقاً ممنوع است. ۸- جز در مورد جرائم شفلی ویژه نظامی، ارتشیان، هرگونه داداری در زمینه دادگستری است و صلاحیت قضا کیه را هیچ چیز دیگر محدود نخواهد داشت. ۹- حقوق حقه ملللیا مبنی بر تعیین و اداره امور دولتی خود را هر چه راجوب و وحدت و تمامیت محظوظ با پذیر جمهوری اسلامی محفوظ و از هر جهت به آنها مانده خواهد شد. ۱۰- ارتش مایک ارتش اسلامی مردمی نهاد میرا نیست و نهاد ستیدا دنیا بدیا شکه در خدمت دفاع از انقلاب و حقوق مستضعفان بوده و در درون مرزهای ایران از هرگونه درگیری ممنوع شود. ارتش متکثر و ملی که ماریا زهر گونه و استگنی به قدرتها می خا جوی بوده و مستشاران امیر- یالیت را هرگز بخود درآندند. و از این طریق به سمت ارتش اشاسا اسلامی که داد و وظلی میا - شدرکت نماید. ۱۱- زاندار امیری و شهربانی در یکدیگر ادغام شده و نتوانن با عا ط علیه تمدن

انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

انگیزه نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه ما یمنه حیاتنترین خواسته های خود را در تقاضای مسلمان در چهارچوب تقوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد. حضرت امام:

نقش امپریالیزم در روستاها

در حاشیه اردوهای آموزشی - عمرانی سازمان جوانان

در شماره های قبل گزارشهایی از اردوهای عمرانی - آموزشی سازمان جوانان در روستاها داشته و امیدواریم که بتوانیم در آینده نیز خوانندگان عزیز را در جریان کار دیگر اردوهایمان قرار دهیم.

در این رابطه آنچه ما را سر آن داشت تا به طرح موضوع تعلیم و پرورش، پاسخ به این سؤال است که ریشه این همه ناسامی در روستاها و اینبند و بنهار و بدبختی چیست؟ این سؤال است که سادگی در یک گذار ساده از روستاها به آن برمی خوریم، و ما در کنار گزارشهای خود را مسلم دیدیم که به برخی این ساله نیز پرداختیم. در هفته نامه گذشته هم این ساله را با سؤال دیگری کامل کردیم. آیا امکان دارد که بتوانیم بر مشکلات روستاها پیروز شویم؟ از چه طریقی؟ جواب این سؤالات را هنگامی درخواهیم یافت که هرچه بیشتر به ماهیت و عملکرد امپریالیزم - این دشمن اصلی خاکهای جهان بی بین - بپردازیم. در یک کلمه که برای حیات خود چگونه به غارت و استثمار توده های مردم در کشورهای جهان سوم بپردازد و بالطبع روستاهای مسکین که به سبب سبک سازی از نیروی انسانی و مواد طبیعی است. از اولین هدفهای این تجاوز بوده و هست. برای روشن تر شدن مطلب لازم است به بررسی سینه تاریخی ساله در ایران بپردازیم. اکنون بررسی خود را از قبل از ۱۳۲۲ آغاز می کنیم.

امپریالیزم انگلیسی بوسیله اردوهای روستائیان و امور بهبودی کشتی فرازمندان

بزرگی این دوره فارسی حاکمیت فتوالتی و زمینداران بزرگ و در رأس آنها دیار و تاه خان بود. استان با حاکمیت بلاعاری خود، از هیچگونه حمایت، دردی، جیاد و زور گوئی ایجاب نداشتند. ایرانیان معتقد بودند که باید با رعیت چنان یک برده رفتار کرد. و او را از اولین و ابتدایی ترین امکانات روستا از قبیل حمام، مدرسه و ... در صورت ساخت، و در صورت کشی او را به زندان انداخت، شکنجه کرد، و تا او مانند بزهای مطیع و رام فقط برای ایراب خود سوداوار باشد. این ایراب این بود که اگر کشاورز جان بگیرد دیگر اطمینان نمی کند.

در همانحال فتوالتی اردوهای روستایی، این بزرگان دست به سینه امپریالیزم انگلیسی - با بهره برداری از امکاناتی که در دسترس خود و برخی هزاران روستایی بود - به زندگی شهری و مطبل خود و شهرها و با حتی خارج از کشور میبردند. و دستوراتی نظری و عملی و عدالتی خود را از طریق مکتب و معاشین به اجرا در می آوردند. و حتی بعضی قابل توجهی از سهم رعیت را به بعضی مختلف بنفع مالک می گرفتند. در حالیکه سهم رعیت بسیار ناچیز و ظالمانه خالص بود.

به لحاظ سیاسی، ریشه این پادشاهی امپریالیزم بر کلیه ارکانهای مملکت گسترده شده بود. مجلس بطور مدعنه دست مالکین بود. و آنها با برگروری انتخاباتی که فقط نمایندگان انتخابی داشت، و در حقیقت از آنها از قبیل شخص شده به صندوق ریخته می شد، در مجلس حاضر اکثریت بودند. و در روستائیان با از ارباب و تبعید به پای صندوق انتخابات، از مادی ترین کارهایی بود که انجام می گرفتند. شاه و دربار نیز وابسته به سیستم فتوالتی حاکم بر ایران بودند. و محرابین امپریالیزم انگلیسی شتبار میرفتند. و طبیعی بود که مورد تاه و حمایت ارباب هم باشند.

امریکا روش جدید بهبودی کشتی از روستائیان

راه شاه خانی می آموزد

در اوایل دهه ۴۰ قمر و فشار بیش از اندازه به روستائیان - روستاهای ایران از راه راه - انحصار طبیعی کرده بود. و هر آن امکان انقلاب مطیع روستایی در ایران سرفراز، از طرف دیگر امپریالیزم روستایی آمریکا نظایر داشت که با رشد سرمایه داری وابسته در ایران نمود خود را در کشور ناتو متوجه دهد و جای انگلیسی را بگیرد.

امریکا با تجربه اندوزی از انقلابات چین و کوبا پیش از پیش تلاش می کرد. با اجرای طرحهایی چون اصلاحات عمرانی تضادهای حاصله در جامعه روستایی ایران را تصحیح بخشد. ولی در این

مثلاً یک مرد کشاورز ۴۰ ساله که سالها کشاورزی کرده است، ششماه بطور مورد مزد و توپان از سازمان جوانان - روستایی میگریست اما روستاها هیچ کار نداشت نمی توانست بکند.

آن مرد روستایی اظهار می داشت: سازمان عمران سبزیزینی را برای کشت بذر کلبویی ۵۰ ریال با ما حساب می کرد ولی در موقع برداشت از بین کلبه سبزیزینی های درسته ۱۰۰۰۰ ریال فقط درجه یک را برمی داشت و کلبویی برای ما به ما بول می داد. تازه وقتی حساب می کنیم می بینیم بول برداشت ما برابر است با بول بذر سبزیزینی که داشتیم. و باید خارج کود و سم و غیره را از حساب کردی به میزان برداریم. یعنی یک مقداری به زمین بدهکار می شویم. یعنی گفت که ما را دیو را گوشت می کشیم و برنانه، دهقان را می کشیم آنها دهقان را ستره می کنند و می می کشند. رعیت آزاد شده، کما رعیت آزاد شده؟

جهانخواران بین المللی در روستاها خود را نشان میدهند

رزم آریایی به دست سرمایه داران داخلی و خارجی را در بهره برداری از این خون بیچاره می گذارد. این بهره برداران، ترکشهای کشت و صنعت تأسیس میکنند، که سبزیترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی را بایمت بسیار باسین، و با مواد زیادی با ارباب و تبعید می کنند. و به کشت محمولاتی میپردازند که مصرف داخلی ندارد. (به عنوان مثال مارچوبه)، و دهقانان بیکار شده را روی این زمینها به عنوان کارگر با حداقل مزد مشغول کار می کنند. و در نتیجه ثروت بیکران مسکین ما و دسترین کار برداران و خواهران روستایی ما را به حساب سرمایه داران جهانی و امپریالیستهای جهانخوار میزبانی می کنند. نمونه این مدها و هزاران هکتار از بهترین زمینهای کشاورزی رزم آریایی است که در واقع تپول سرمایه داران آمریکایی است.

مثلاً میان ملیه هرگونه استثمار و ظلم و نا - برابری دست بزنند - آیا برای حل این مشکلات راهی به جز یک مبارزه همه جانبه در زمینه های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی ملیه امپریالیسم وجود دارد؟

به امید محور هرگونه استثمار و نابرابری

پیش سوی جامعه بی طبقه توحیدی

ناتمام

(پاورقی - برای اطلاعات بیشتر راجع به انواع روستاهای ایران به کتاب "مطالعات روستایی در ایران نوشته سازمان مجاهدین خلق مراجعه شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
 دعوت انجمن جوانان مسلمان دانشکده تهران وادریاجهد
 مستور انور موسوی
 دانشجویان و دانشمندان
 در مساجد و مراکز علمی و فرهنگی
 دعوت به وحدت و اتحاد
 حکومت علمی و قانون اساسی دولت اسلام
 در مسجد دانشکده تهران سخن می گویند.

روابط و نهادهای شورائی (قسمت چهارم)

نقش عملی شوراهای روستاها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

- ب. تقسیم سود سالانه:
- فرمول جدید ابتکاری شورا و در حل اختلاف فرمولهای وزارت کار سود سالانه تقسیم گردید.
- چون با فرمول وزارت کار مدهای از کارگران پس از حسابرسی بدهکار می شدند.
- ج. پرداخت حقوق از دست رفته کارگران: با مندرج اولاد، که در مواردی حتی بمدت ۱۹ سال پرداخت نشده بود. و تصویب پرداخت حقوق کامل برای ایام تعطیلی و مرخصی.
- د. تقسیم عادلانه کار شتاب با نیروی عملی کارگران در حد معادل، و استخدام ۱۴۰ نفر از کارگری که مجرم دفاع از حقوق کارگران اخراج شده بودند. حالت ایجاب می نمود به اینهمه گذرگونی سریع تولید نسبت به گذشته بیشتر از ۵۰٪ افزایش یافته است.
- ه. نظارت بر امور داخلی کارخانه و شروع به اقدام برای ساختن تعداد ۳۰۰ دستگاه خانه کارگری از دیگر کارخانه شورا می باشد.

۳- شورای سیمان تهران - شمال

الف. از طریق تهیه فنی شورای کارکنان اقدام به راه اندازی واحد ۲۰۰۰ تنی جدید شده است. این واحد به علت جدی نبودن سیرت مربوطه راه انداخته شد. البته امکانات معدنی که ایستادگی کرده، راه اندازی آنرا عقب انداخته. ب. رسدگی شورا بوجه ۵۰۰۰۰ تومان در روز که کارگران نامل میبناوند. درامات دارند. توضیح اینکه کارگران در صورت احتیاج می توانند مجموعاً روزی ۱۰۰ تن سیمان بقیعت جاری می خریداری کنند. در صورتیکه قبلاً از طرف کارخانه با پارتنی بازی این مقدار به افرات دیگری تحویل می شد. بعد از این اقدام شورا، سهمیه سوزور بدون دلیل قطع شده است. که شورا در تلاش برای برقراری مجدد آن است. در این کارخانه چنانچه ملاحظه میشود تلاشهای خود کارگری شورا را با مشکلات متعدد مواجه ساخته است.

۳- شورای بن خاور

کار فرمای یک نماینده با حق اصفا انتخاب کرده، ولی شورا وی را نپذیرفته است. در مورد اضافه حقوق، شورا روش تقسیم حقوقی به نسبت مکن درآمد را جایگزین افزایش یکسان ۴۰۰ تومان به حقوقهای ۱۰۰ هزار تومان کرده است. با این حساب هرکس حقوق کمتر است اضافه حقوق بیشتری

دستاوردهای روستاها در زمینه کارهای سیاسی - ایدئولوژیک

ب. در شماره های قبل از بیان ضرورت تشکیل شوراهای کارکنان کارخانجات به بررسی اهداف و وظایف شورا پرداختیم.

اکتوبر بدستال تشتهای گذشته، کودتاهای در دستاوردها و مملکت خود شوراها در کارخانجات از زمان پیروزی انقلاب تا کنون می آوریم. با نقش این نهاد کارگری را در عمل بنیتم، از قدرت کارگران تا ۱۴۰۰ نفر از کارگری که مجرم محسوب شدند تا در کشتن این نهاد در سطح جامعه موثرتر باشیم، و از طرف دیگر در محقق شدن و افزایش کیفیت کار برداریم.

دستاوردهای اقتصادی و رفاهی شوراهای

راه اندازی کارخانه هاگامی در افزایش تولید

۱- شورای جهان چیست؟

در زمینه صنعتی و رفاهی شورای کارخانه جهان چیست اقدامات معدنی انجام داده که نمونه های آن را می آوریم

الف. افزایش حقوق کارگران: این افزایش با همکاری قائل اردیاساد حقوق کارکنان حکم، به میزان ماهانه ۳۰۰۰۰ ریال و هشتاد هزار تومان (۱۸۰۰۰۰۰۰۰ تومان) شده است که بخشی از آن با جلوگیری از یک سری سوء استفاده های مالی به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان و کار کردن مبلغ ۵۰۰ هزار تومان اضافه کاری را در پیامه، برای اضافه دستمزد فوق، تأمین گردیده است، که از طرف دیگر توزیع دستمزدها نیز جزایان حقوق را بنفع کارگران دیگرگون نموده است. بدین ترتیب که کارکنان حقوق کم تا ۱۲۰٪ و حقوق متوسط ۳۰٪ و حقوق بیشتر از آن ۱۰٪ به تناسب به دستمزدشان داشته اند. هیچ اضافه شده حقوق نگذاشته اند. هم اضافه شده است، حقوقهای بیش از ۷۵۰۰۰ تومان نیز بنفع دیگران این حد کاهش داده شده. همچنین از بین بردن تمیضهای حقوقی بین افرادی که دارای سابقه کار یکسان و نقل مشترک هستند از دیگر اقدامات شورا است.

آیت الله طالقانی در دیدار با هیئت کوبایی...

بر اساس ایدئولوژی توحیدی هرگز مجاز نیستیم نقاط قوت دیگوان و انکار کنیم

بقیه ز صفحه ۱

تکامل و در جهت مبارزه با دشمن اصلی یعنی سگدشته اعدا خدا و خلق در هر مرحله تاریخ قدم برمی دارد. سپهان انداره مترقی و انقلابی و قابل تأیید است. سایرین برای سربو های انقلابی و اصولی، مخاطب مبارزه ای که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و استثمار می باشد، و نیز در حد رسالتی که در دفاع از حقوق طبقه کارگر (این مستحقین زمان ما) بردوش گرفته اند، باید احترام قائل بود و تأیید صحت آن کرد. هر طبقه ای که برخورد صحیح با هر ایدئولوژی و طریقه فکر است، یعنی مایه در ایدئولوژی خود آنجا که به قدرت و زندگی اجتماعی خود در مواقع حق قرار دارد تأیید کرد. ما با اتکا ایدئولوژی توحیدی از تکلیف موظفم که حرکتی باشد - دیکتاتوری، ضد استبدادی را که با آرمانهای مکتبی ما سازگاری دارد حمایت کنیم. و از طرف دیگر هرگز میسازیم به نسبت که تروائلی ها و خطه قوت های دیگران را انکار کنیم. هرگز نباید خود را بیوفتیم در هر کجا که خود را نشان دهد و بهر درجه ای که وجود داشته باشد. در انصورت این خودم حق هویتی (مفهوم عمیق فکر) این گروه ما هستیم که در درجه اول مخاطب موضع مبروفی - و کفر مزی که در برابر یک واقعیت برای حق اتخاذ کردیم. این موضع یکسا - برشته است. رویه موضع های ارتجاعی و گدشته گرا رانده شده ایم. اصولاً از اردویی ضد خلق، که تکلیفم در میان نیروهای خلقی که سر علیه امپریالیسم جری می نمایند، منظور میسر می آید. حق طلی و مسود دارد. که سیاستی آنرا نایده گرفت. بدین نظر است درست دیگران و قبول کارهای سیاسی و عملی آنان، خود سبب اصالت و خلوص موضع توحیدی ما است. بر عکس نیروها و برخورد ارتجاعی سنگ نظاره در این رابطه همانطور که بارها حضرت آیت الله طالقانی در مورد آن تذکر داده اند، هرگز نمی توانیم در دفاع از دین و اسلام و ملت قهرمان با خود هم چنین هرقادمی که بسوی ارتجاع دیگران را در سپاه نظارت و عقایدشان که محتوایی از حق داشته باشد محدود سازد. و دقیقاً ضد توحیدی است. در انصورت همانطور که ایشان در تعلق تاریخی خود در درجه میانه اعلام داشته اند، اگر با اولاد پراستدر ضعف بدنام که در مقابل مکتب دیگر چیزی برای عرضه کردن نداشته باشد، با آنرا یافض دادند استقامت و شتابناختیم.

واقعیت نیز همین است. تنها آنهایی که در میدان حق طلیی ملت هایمان خالی است، او مطرح نظرات مخالف و مواجبه با عقاید و افکار توحیدی هراس و وحشت دارند. ما این موضوع خالی هیچ تردیدی برای نمی ماند که ما بحکم وظیفه ایدئولوژیک توحیدی خود ناگزیر از تأیید جنبه های درست و برحق هر مکتب یا حزب و گروه و نیروهای سیاسی هستیم. این جنبه ها را که با کما معلوم می کردند، و معیار تشعیم ما در این مورد چیست؟

بر اساس جهان بینی اسلامی معیار

مازیم که این اولین بار نیست که آیت الله طالقانی این مواضع را بیان می کند. خود با مارکسیسم و مارکسیست ها می دارند. ایشان فلا... در تعلق معروف مدرسه... میوه نیز مرصحا... بودند که... ساله کمونیست غیر از ساله نیز علمی مارکسیست است. کمونیسم در دنیا، اصل، لوی، یعنی زندگی خانوادگی را اسلام پایه گذاری کرده است. در حد اسلام آن چنین بوده زندگی بیاسر و صحابه و مهاجرین و انصار جری بود. ... این منهای این مارکسیست و اصالت ماده است که باید آنرا از این جدا سازیم.

با مختصری دقت در مسائلات آیت الله طالقانی در این مورد کلاماً مشخص می شود که ایشان مارکسیسم را در کلیت آن بعنوان یک مجموعه و سیستم مکرر، که ایدئولوژی انقلابی تلقی کرده اند که در دو جنبه ترکیب یافته است:

یک جنبه آن، موضع گیری این ایدئولوژی بر علیه ظلم و استثمار و دفاع از طبقات محروم و مستضعف است که در جوهر آن مسأله نفی استثمار قرار دارد و کوششی است برای یک زندگی خانوادگی و بدور از روابط طبقاتی و خصمانه. ایشان این بخش از مارکسیسم را جوهرتیز مارکسیسم و اسلام و بطور کلی ادیان توحیدی دانستند. معتبر از آن اسلام و مکتب انبیا... را توحید را بیستار طرح چنین تعاریفی دادند. این قسمت از مارکسیسم در واقع جنبه حق و درست مارکسیست است، اما جنبه دیگر مارکسیسم بنیاد فلسفی آن یعنی "مارکسیسم" است که در سخن لوی بر طالع اعلام شده است. زیرا که جهان بینی توحیدی و جهان را هدفدار و با مقصد و معنی مبین می کند. در نتیجه با فلسفه ماتریالیستی که هستی را زور و بی هدف می داند، بکلی در تضاد است. نگذاریم از اینکه بیرون انقلابی مارکسیسم در عمل هیچگاه با فلسفه ای بند نبوده، و خودشان قبل از هر کسی دیگر، وقتی با واقعیت سر - سخت مواجه می گردند این چارچوب فلسفی و مادی را می کشند. بنابراین با دیدگاه ایشان مارکسیسم را بعنوان یک سیستم تضاد و انقلابی یابستی تجربه کرد که جنبه حق آنرا تأیید کرد (نفی استثمار) و جنبه باطل آن را رد نمود (مارکسیسم). این رمز اصلی کشف واقع گرایانه ایشان در این زمینه است. تمام مکتب و دیدگاههای هر یک در موضع - گامی نسبت به مارکسیسم به انحراف و ارتجاع افتاده اند، اما اشتها از همین جا آغاز شده است. اینها مارکسیسم را بوجهی خاص تجربه کنند، و با هر یک از دو جنبه حق و باطل آن برخورد کنند. آنرا بعنوان یک کل و در مجموع مورد انکار و تردید قرار دادند. و در نتیجه جنبه های حق و باطل آنرا با هم نفی کرده اند. باطل جهان نیست که نفی جنبه باطل فلسفی و مارکسیستی است. آن درست و مادی است. ضدیت با جنبه ضد استبدادی آن نادرست است. گمراه کننده است. ما بهر حال هنگامیکه در برابر امر درست و برحق با ایستادگی ارش نشانی را نفی نمی کنیم، خود - مان از مواضع حق طلی دور می شویم و سقوط خواهیم کرد.

انگافا... خود جهانی و چادیه مارکسیسم در میان روشنفکران نیز دقیقاً

بسیاری از متفکران اسلامی که به نقد مارکسیسم پرداختند، گوشه داند این ایدئولوژی را در نهایت و کلیت آن رد کرده و در حالیکه باستی آن را تحریه کرده و جنبه های حق و باطل آن را جدا سازند. در نتیجه معمولاً موفق به اتخاذ یک موضع واقع گرایانه و توحیدی در قبال آن شده اند. و بهمان اندازه از اسلام اصیل و انقلابی فاصله گرفته اند. به عبارت دیگر آنها از موضع ارتجاعی و پائین تر از مارکسیسم به نقادی است پرداخته اند، و نه از موضع ترفی و بالاتر از آن. تنها با قرار دادن اسلام در ست پست و بالاتر از مارکسیسم است، که اصالت و غنای محتوای توحیدی بارز می گردد. و دقیقاً در همین جا است که شعار "الاسلام یعلموا ولا یعلمی علیه" تحقق مینی می یابد. والا اگر این قبال مارکسیسم موضع واقع گرایانه ای در اختیار نکند، در انصورت مارکسیسم که لاجرم در سمت راست مارکسیسم قرار گرفته، دیگر از محتوای

دیر با رود مسر حرکت و فرست طلمان از راه رسیده انقلاب را تغییر خواهد داد.

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه چیزهایی است؟

قبل از هر چیز باید خاطر نشان کنیم که سیاست خارجی هر دولت، اداهه طبیعی سیاست داخلی آن است، یعنی بسته به اینکه چه طبقه و قشری و سیاست و ایدئولوژی بی برنامه حاکم باشد. روابط خارجی آن نیز مستلزم خواهد بود. و به عبارت دیگر بین روابط خارجی و مناسبات داخلی هر نظام، یک ارتباط ارگانیک و منطقی وجود دارد. مثلاً از رژیم ضد خلقی تا نمی توان یک سلبه مناسبات انقلابی و خلقی یا دیگر کشورها انتظار داشت. رژیمی که در داخل کاللا... میزوری و دشمن همه خلق است، ضرورتاً "یابستی آل درستی با مدافع آمریکا، اسرائیل، عربستان، جنوبی، رودریا، سلطان عمان و... و متقلاً دشمن خلقهای مستضعف های نظیر فلسطین، قطار، ویتنام و... باشد. بنابراین برای داشتن یک سیاست انقلابی یا دیگر کشورها از جمله دشمن اصلی خلقان، امپریالیسم آمریکا یابستی در داخل سیاست و جریانهای حاکم انقلابی باشند.

مثلاً اگر بخواهیم در زمینه های سیاسی اقتصادی و طبیعی و فرهنگی وابسته نیاییم - اجباراً ناچاریم به سوی خلق رو کنیم و آنرا معالنه در شرونت و مسر خود دعالت دهیم. در این رابطه است که می توان با تکیه بر خلق و بر پرتو بسج نوده های از جریانهای خارجی و دیگر کمبود های اقتصادی بی نیاز شد. و فاطمانه به تسلط متاع و سرمایه های خارجی پایان داد. اما وقتی در داخل چنین مناسباتی حاکم نیست، طبیعی است که باید خلا، نوده ها را کبکبای خارجی و سرمایه های فرار داد، اما امپریالیستی - آمریکایی باید در چرخه های اقتصادی خود... در انصورت چگونه می توان آمریکا را به عنوان دشمن اصلی تلقی کرد و در مقابل آن ایستاد.

۱- با تشکیل ارتش خلق و به کمک آن، می توان با فاطمت بیشتر به جنگ بقای ارتجاع و عناصر وابسته و پدگاههای امپریالیستی از جمله ارتش ضد خلقی، تشافنه و معتز از آن خود را از شر نهادهای کاذب به سلاحهای پیچیده و مستشاری و ازبانهای پوسیده به آن نجات داد. آنوقت سختی که از فرار - دادهای تسلیم طلبانه در زمینه تسلیمات با مستشاری با اطلاعاتی برای برافرت از مرزها بحان نخواهد آمد.

۲- بدینوسیله است که دنبال کردن چنین سیاستی مستلزم جذب نیروهای مترقی و انقلابی و کوتاه کردن دست

باید نگاههای دیگر چگونه برخورد کنیم؟

در اینجا لازم است که اشاره ای هم به نقطه نظری آیت الله طالقانی در این زمینه داشته باشیم. با مسائلی که تاگاه هستند و مالت دست

باید نگاههای دیگر چگونه برخورد کنیم؟ در اینجا لازم است که اشاره ای هم به نقطه نظری آیت الله طالقانی در این زمینه داشته باشیم. با مسائلی که تاگاه هستند و مالت دست

استدقده... این تمام آن چیزی است که بر منی آن، موضع ایدئولوژی اسلامی را در قبال ایدئولوژی مارکسیسم دیدگاه ایشان، مشخص می گرداند. بر منی این موضع معلوم می شود که چه رابطه ای بین ایدئولوژی اسلامی و مارکسیسم وجود دارد و خطا و وحدت و تضاد ایدئولوژی اسلامی با مارکسیسم کدام است. معارت دیگر از آن موضعی باید با مارکسیسم برخورد نمود، و اسلام را در این رابطه در کجا یابستی قرار داد. البته لازم است خاطر نشان

ماهیت و رابطه فعلی ایران و آمریکا

موضع تردید آمیز جناحهای حاکم در قبال آمریکا

در حال حاضر برای مرافقت بیشتر از مرز ایران و عراق اهمیت بسیار دارند. با در کبها ۵۸/۲۲؛ دکتر برزی صحت از رفتار آنتنی جوانه ایران با آمریکا... میان آرزو است. و با در گمانیکه سرباز آمریکا و فوجت علیه خلق ما به حمله و هجوم برداخت، و ختم یکبارگی مردم ما را برانگفت، دکتر بودی به شکتین مردم ما برداخته و فطمانه ما را جدا و بی - ارتباط با سیاست رسمی آمریکا گرفته است. در حالیکه هنوز زمان اسلام خمینی شد در بین تعلقها را علیه آمریکا ایزاد کرد.

چنین برای بسیاری از مقامات فعلی مثل "امپریالیسم و آمریکا" مثل سالهای نیست. و شاید در بین آنها باشند کسانی که اثری از امپریالیسم آمریکا نمی بینند. و بنابراین تا نگذاید انقلابیون ایران بر پایگاه های، عوامل و تلاشگران ضد خلقهای امپریالیستی و... کاملاً متوجه می شوند چه چسا باستانه می خواهند که دست امپریالیسم را گرفته و بدست آنها سپاریم، تا به حاشی برسد!

در این حال گاه بگاه همین مقامات و سایر جناحهای حاکم از... مطالب دشمنان و فرنگاری ها و مفیده جویان امپریالیسم برخورد خود... سبب می کنند. و اینکه "انها به این زودی دست از سر ما برمی دارند" و... چنین تشخفا... در بسیاری موارد سبب حاکم افغاناتی انجام می دهد که برای آمریکا موهومند نیست. از حمایت منبری جنبشهای انقلابی گرفته تا نزدیکترین کافتر به عنوان سرباز آمریکا در ایران و... لکن بهر حال یک موضع روشن و مشخص و واحدی در قبال آمریکا اتخاذ نشده و با حداقل اعلام نشده است.

کیفیت رابطه با آمریکا جهت خاصی دارد مشخص نشدن چگونگی رابطه ایران و آمریکا اگرچه برای مردم ما بدون اشکال نیست. اما محتوای این رابطه و جهت حرکت آن برای عناصر آگاه روشن می باشد. زیرا اولاً... در واری نوسانات، رنگارنگ، تناقضات، رابطه موجود بین ایران و آمریکا، دارای ماهیت مشخصی است که در طول زمان بارزتر خواهد شد.

حقیقی آن نمی گشته، و چیزی جز یک توحید بی محتوای مدافع استثمار (ولو در ابعاد کوچک آن) خواهد بود، اسلامی که کبکبای... از اسلام راستین و انقلابی که برتر از هر ایدئولوژی دیگر است متمایز بوده، و فی الواقع جز در شکل ظاهری و هویت بی شصت شباهت دیگری با آن ندارد. روشنفکران جامعه ما خوبی با چهوا... اسلام سطحی و سستی، چه در جامعه خودمان، و چه در نمونه ها و معالذهای فراوان آن آشنا بوده، و معتز آن را در تطبیق با آن انقلاب ضد امپریالیستی و بی استثمار و حل مسائل پیچیده مبارزه، معینه مشاهده کرده اند. این روشنفکران عدم توانایی چنین ایدئولوژی جزئی را با وجودی که همه رسه راههای عملی و بازگویی در همه رسه ها - با خوبی دریافته اند. هنر سازمان محاهدین خلق ایران در آغاز تولد ایدئولوژیک خود در سال ۴۲ نیز این بود که توانست مرزها و خط فاصل هویتی را با چنین برداشتی سستی و سطحی از اسلام مشخص ساخته، و اسلام اصیل را در موضع راستین و واقعی آن یعنی بالاتر از هر ایدئولوژی دیگر قرار دهد. و نگاه مرزهای این توحید نراب را با اندیشه های دیگر و مارکسیسم برانداخت. این همان هویت محاهدین خلق است.

(برای آگاهی از این موضوع بعضی موضع محاهدین در قبال مارکسیسم و مارکسیست ها، و تحلیل های ایدئولوژیک سازمان در این مورد از سند و تاریخ سازمان در سال ۴۲، به کتاب "تشریح و آموزش" مطالعه تقنین مواضع محاهدین... رجوع کنید.)

مرجعین و فرصت طلبان از راه رسیده

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه چیزهایی است؟

قبل از هر چیز باید خاطر نشان کنیم که سیاست خارجی هر دولت، اداهه طبیعی سیاست داخلی آن است، یعنی بسته به اینکه چه طبقه و قشری و سیاست و ایدئولوژی بی برنامه حاکم باشد. روابط خارجی آن نیز مستلزم خواهد بود. و به عبارت دیگر بین روابط خارجی و مناسبات داخلی هر نظام، یک ارتباط ارگانیک و منطقی وجود دارد. مثلاً از رژیم ضد خلقی تا نمی توان یک سلبه مناسبات انقلابی و خلقی یا دیگر کشورها انتظار داشت. رژیمی که در داخل کاللا... میزوری و دشمن همه خلق است، ضرورتاً "یابستی آل درستی با مدافع آمریکا، اسرائیل، عربستان، جنوبی، رودریا، سلطان عمان و... و متقلاً دشمن خلقهای مستضعف های نظیر فلسطین، قطار، ویتنام و... باشد. بنابراین برای داشتن یک سیاست انقلابی یا دیگر کشورها از جمله دشمن اصلی خلقان، امپریالیسم آمریکا یابستی در داخل سیاست و جریانهای حاکم انقلابی باشند.

مثلاً اگر بخواهیم در زمینه های سیاسی اقتصادی و طبیعی و فرهنگی وابسته نیاییم - اجباراً ناچاریم به سوی خلق رو کنیم و آنرا معالنه در شرونت و مسر خود دعالت دهیم. در این رابطه است که می توان با تکیه بر خلق و بر پرتو بسج نوده های از جریانهای خارجی و دیگر کمبود های اقتصادی بی نیاز شد. و فاطمانه به تسلط متاع و سرمایه های خارجی پایان داد. اما وقتی در داخل چنین مناسباتی حاکم نیست، طبیعی است که باید خلا، نوده ها را کبکبای خارجی و سرمایه های فرار داد، اما امپریالیستی - آمریکایی باید در چرخه های اقتصادی خود... در انصورت چگونه می توان آمریکا را به عنوان دشمن اصلی تلقی کرد و در مقابل آن ایستاد.

۱- با تشکیل ارتش خلق و به کمک آن، می توان با فاطمت بیشتر به جنگ بقای ارتجاع و عناصر وابسته و پدگاههای امپریالیستی از جمله ارتش ضد خلقی، تشافنه و معتز از آن خود را از شر نهادهای کاذب به سلاحهای پیچیده و مستشاری و ازبانهای پوسیده به آن نجات داد. آنوقت سختی که از فرار - دادهای تسلیم طلبانه در زمینه تسلیمات با مستشاری با اطلاعاتی برای مرافرت از مرزها بحان نخواهد آمد.

۲- بدینوسیله است که دنبال کردن چنین سیاستی مستلزم جذب نیروهای مترقی و انقلابی و کوتاه کردن دست

